



برآیند فلسفه در ساحت علم صدور حکم است/ کارکردهای فلسفه فرهنگ

آیت الله رشاد گفت: کار فلسفه صدور باید و نباید نیست، بلکه برآیند فلسفه در ساحت علم صدور حکم است، لذا فلسفه فرهنگ دآوری نمی‌کند اما برآیند آن تولید گزاره‌هایی برای مهندسی فرهنگ است.

آیت الله رشاد گفت: کار فلسفه صدور باید و نباید نیست، بلکه برآیند فلسفه در ساحت علم صدور حکم است، لذا فلسفه فرهنگ دآوری نمی‌کند اما برآیند آن تولید گزاره‌هایی برای مهندسی فرهنگ است.

به گزارش خبرگزاری مهر، نخستین جلسه از نشست های «سلسله بحث هایی در فلسفه فرهنگ»؛ با سخنرانی آیت الله علی اکبر رشاد، رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در محل این پژوهشگاه برگزار شد.

آیت الله رشاد طی سخنانی در این نشست با اشاره به یازده محور درباره «فلسفه فرهنگ» اظهار کرد: محور اول «تعریف فلسفه فرهنگ» است شامل: «دانش معرفت»؛ دستگاه وار، مطالعه فرانکر-عقلانی احکام کلی فرهنگ»؛ و «نسبت و مناسبات فلسفه فرهنگ با دانش های هموند و همگن».

وی با اشاره به تفاوت و شباهت فلسفه فرهنگ با دانش های هموند و همگن از جمله: علم فرهنگ، علم فرهنگی، علم های مضاف به فرهنگ (همچون جامعه شناسی فرهنگ، اقتصاد فرهنگ و...)؛ فقه فرهنگ، فقه فرهنگی و «فلسفه فرهنگ»؛ گفت: پژوهی نوعی انسان شناسی انضمامی است و چون علوم انسانی غربی در پی مطالعه «پسینی رفتار است، بنابراین به نوعی بسط فرهنگ محسوب می شود.

آیت الله رشاد تاکید کرد: فقه فرهنگ عبارت است از: «بیان احکام شرعی معطوف به فرهنگ. دخل زمان و مکان در فقه هم عموماً دخل فرهنگ در فقه است»؛ و فقه فرهنگی هم مبحثی است که شهید مطهری درباره آن گفت «حکم فقیه روستایی بوی روستا دارد و حکم فقیه شهری بوی شهر»؛ البته این سخن شهید مطهری به عنوان قضیه موجهه جزئی، درست است نه موجهه کلیه و اشاره به تاثیر فرهنگ بر فقه دارد.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی در ادامه محور سوم، فلسفه فرهنگ را موضوع آن دانست و بیان کرد: موضوع فلسفه فرهنگ، فرهنگ است، اما محور چهارم مساله، فلسفه فرهنگ است که شامل احکام کلی فرهنگ شامل: مباحث هستی شناسی، شناختی، گونه شناسی، شناختی، معرفت شناسی، شناختی، ارزش شناسی، شناختی، روش شناسی، قاعده شناسی، شناختی و... می شود.

وی در تشریح و معرفی محورهای دیگر فلسفه فرهنگ، ابراز کرد: منطق طبقه بندی مباحث فلسفه فرهنگ، قلمروشناسی فلسفه فرهنگ، غایت و فائت فلسفه فرهنگ از دیگر محورهای این بحث است. البته در ایران شاید بحثی مهم تر از فرهنگ نباشد و غایت فلسفه فرهنگ را «دستیابی به احکام کلی فرهنگ» دانسته اند و مهم ترین فایده و کاربرد فلسفه فرهنگ را ایجاد بستر نظری و توانا شدن بر مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی عنوان کردند. کار فلسفه صدور باید و نباید و شاید و نشاید نیست، بلکه برآیند فلسفه در ساحت علم صدور حکم است. لذا فلسفه فرهنگ در این امور دآوری نمی‌کند اما برآیند آن تولید گزاره‌هایی برای مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی است.

رشاد محور هشتم در روش شناسی فلسفه فرهنگ را روش شناسی آن دانست و افزود: روش مطالعه فلسفه فرهنگ فرانکر-عقلانی است، یعنی مطالعه «عقلانی فرهنگ و مؤلفه های آن با نگرش برونی و دآوری»؛ تجربه صرفاً مولد علم نیست، حتماً حکم عقل لازم است. روش مطالعه «عقلانی است. فلسفه فرهنگ هم فرانکر-عقلانی است.

از اشتباهات رایج در فلسفه های مضاف!

رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی تصریح کرد: محور نهم در فلسفه فرهنگ، هویت معرفتی آن است،

فلسفه‌های مضاف به سه دسته فرارشته‌ای، بینارشته‌ای و رشته‌ای قابل تقسیم اند و فلسفه‌ای فرهنگ از نوع فلسفه‌های مضاف به امور و از زمره‌ای معرفت‌های درجه یک است. علوم مضاف، علوم درجه دو هستند اما لزوما معرفت درجه دو نیستند و این از اشتباهات شایع در بررسی فلسفه‌های مضاف است که مثلاً تاریخ علم را هم جزو فلسفه آن علم تلقی می‌کنند.

این پژوهشگر محور دهم فلسفه فرهنگ را هندسه معرفتی آن دانست و افزود: هندسه معرفتی فلسفه فرهنگ عبارت است از نسبت و مناسبات مولفه‌ها و عناصر فرهنگ؛ اینکه چهار مولفه اساسی فرهنگ شامل (بینش، کنش، منش، کنش) چه نسبتی با یکدیگر برقرار می‌کنند. از نظر من بینش گرانیگاه و قبله فرهنگ است و سایر مولفه‌های فرهنگ اطراف آن قرار دارند.

وی ادامه داد: مصادر و مناشی فلسفه فرهنگ یازدهمین محور است، عقل، فطرت اجتماعی آدمیان، فلسفه‌ای مطلق، و منابع از جمله این منشی هستند. فلسفه فرهنگ در عین اینکه یک فلسفه است، اما می‌تواند از گزاره‌های وحیانی استخراج شود؛ چراکه از نظر ما گزاره‌های وحیانی، از منابع معرفت است.

رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی تصریح کرد: فرهنگ به ما هو فرهنگ را تک رشته ای می گویند. اجزاء فرهنگ می‌تواند هنر، عرف، سبک زندگی و ... را شامل شود. وقتی این مولفه‌ها را به شرط شیء ببینیم همه آنها یک فلسفه خواهند داشت اما اگر به شرط لا ببینیم هر کدام از آنها فلسفه جدا دارد.

این پژوهشگر تصریح کرد: اصولاً تا زمانی که به شرط شیء نگاه نکنیم، دین جزوه فرهنگ نیست، عناصری که به مثابه اجزا قلمداد می شود اگر هضم در فرهنگ شده باشند احکام فرهنگ بر آنها جاری است.

رشاد افزود: زمانی که دین در یک جامعه رسوب کرده باشد در آن صورت فرهنگ نیست، بنابراین هموار دین جزء فرهنگ به حساب نمی آید.

فرهنگ به طور کامل مدیریت پذیر نیست

رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی گفت: ما به مهندسی فرهنگ معتقدیم وقتی در فرهنگ نظریه داریم و فرهنگ مطلوب را ترسیم می کنیم، می توانیم فرهنگ را مهندسی کنیم هرچند که کاملاً مدیریت پذیر نیست، اما قواعدی برای مدیریت دارد، ضمن اینکه جامعه انسانی، با مولفه فرهنگ ملازم است و الا و لابد مجموعه ای از بینش ها، منش ها، کنش ها را تشکیل می دهند.

آیت الله رشاد اظهار کرد: اصولاً فرهنگ یک واقعیت خارجی است، هرگز نمی توان یک جامعه را بی فرهنگ کرد. مسایل مربوط به هستی شناسی فرهنگ، معناشناسی، قواعدشناسی، نسبت شناسی دین و فرهنگ، آینده پژوهی فرهنگ و ... از جمله مباحث فرهنگی به شمار می آیند.

وی افزود: خود فرهنگ با همان هویت جمعی یک سری احکام کلی دارد و مسائل دیگرش ریشه ها و پایه های آن را شکل می دهد. فرهنگ سازها و کنشگرهای فرهنگی و عوامل که فرهنگ را پدید می آورند شامل حکومت، قانون، فطرت تا مظاهر دیگر فرهنگ هستند.

رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ابراز کرد: فلسفه فرهنگ را به اشکال مختلفی می‌توان تقسیم کرد، مولفه های فرهنگ محور محل قلمرو بحث فلسفه فرهنگ هستند و مسائل دیگر به شرط انضمامی دیده شدن می توانند از مسائل فلسفه فرهنگ به شمار آیند.

غایت فلسفه فرهنگ و هر فلسفه مضاف کشف فرهنگ و مسائل اساسی است

آیت الله رشاد گفت: غایت فلسفه فرهنگ و هر فلسفه مضاف کشف فرهنگ و مسائل اساسی است اگر غیر از این غایت باشد فلسفه مضاف نیست، غایت آن چیزی است که علم به خاطر آن پدید آمد و اگر غایت نبود علمی نیز ایجاد نمی‌شد، در روزگار ما مهمترین فایده فلسفه فرهنگ می‌تواند مهندسی فرهنگی باشد.

وی با بیان اینکه مهندسی فرهنگی هم طراز با غایت فلسفه فرهنگ است، گفت: نکته دیگر در مورد فلسفه فرهنگ،

روش شناسی آن است که معرفت دستگاه های فرانگر عقلانی برای شناخت احکام کلی فرهنگ است.

رشاد در مورد هویت معرفتی فلسفه علم خاطرنشان کرد: هویت معرفتی علم را عبارت می دانم از ساختار و چیدمان معرفتی هر مقوله مثلاً کعبه و نقطه ثقل هندسه معرفتی دین توحید است. عقل و دین از سرچشمه های فرهنگ اند.